

راهبردهایی برای بهبود مدیریت سیستم اعزام دانشجویان به خارج از کشور جهت توسعه ارتباط دانشگاه، دولت و صنعت

ناصر شمس

استادیار، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی امیرکبیر

nshams@aut.ac.ir

چکیده: ادامه تحصیل و عزیمت دانشجویان ایرانی به خارج قدمتی دوپست ساله دارد و به زمانی برمی‌گردد که اولین گروه پنج نفره با حمایت عباس میرزا در سال ۱۸۱۲ به خارج اعزام شدند. از آن زمان به بعد روند اعزام ادامه داشته است و گروه‌های چند نفره به چند ده نفره تبدیل گردیده است چرا که اعزام دانشجویان در ایران مقوله‌ای ارزشی است و دغدغه بسیاری از ایرانیان و خانواده‌های آنها می‌باشد. این مقاله ضمن تشریح تاریخچه و ویژگی‌های اعزام دانشجویان به خارج از کشور، به بررسی وضعیت اعزام دانشجویان شغلی به تحصیل در بریتانیا انجام شده است و بیان می‌نماید. با توجه به اینکه این مطالعه در بریتانیا به عنوان یک کشور توسعه یافته انجام شده است تفاوت‌های اعزام در حال توسعه و توسعه یافته تشریح می‌گردد و با توجه به این تفاوت‌ها و نتایج طرح تحقیقاتی انجام شده، پیشنهادهایی برای اصلاح مدیریت سیستم اعزام دانشجویان جهت توسعه ارتباط دانشگاه، دولت و صنعت در ایران ارائه می‌شود.

کلیدواژه: اعزام به خارج، تاریخچه اعزام، تحصیلات عالی دانشگاهی، تحصیل در خارج، سیستم بورسیه.

مقدمه

گذشته اعزام نگاه کوتاهی می‌افکنیم. در بخش سوم مختصراً به برخی از اختلاف‌های موجود در سیستم آموزشی دو کشور ایران و غرب اشاره می‌شود. بخش به تشریح نتایج یک طرح تحقیقی که اعزام دانشجویان و مشکلات دانشجویان اعزامی را بررسی نموده است و با حمایت نگارنده انجام شده است پرداخته می‌شود. در پایان پیشنهادهایی برای سیستم بورسیه و سیاست‌هایی که می‌تواند به ارتقای بهره‌وری این سیستم بینجامد ارائه می‌گردد.

تاریخچه اعزام دانشجویان به خارج در ایران

به روایت محمد حاضری در سال‌های ۱۱۹۱ و ۱۱۹۵ شمسی (۱۸۱۲ و ۱۸۱۶) اولین گروه از دانشجویان یا محصلین ایرانی در دو گروه ۲ و ۵ نفره تحت عنوان اولین کاروان معرفت در زمان عباس میرزا به بریتانیا اعزام شد (حاضری، ۱۳۷۳). گروه متشکل از پنج دانشجو در رشته‌های مختلف علوم انسانی، مهندسی و پزشکی در ۱۸۱۶ وارد لندن شد. پس از آن، روند اعزام دانشجویان تا چند دهه در قالب گروه‌های چند نفره ادامه یافت تا آنکه در اوایل دهه ۱۴ یک گروه چهل و دو نفره که اکثراً از فارغ‌التحصیلان دارالفنون بودند به فرانسه اعزام شدند. بازگشت این گروه و گروه‌های قبلی

اعزام دانشجویان یکی از بخش‌های مهم فعالیت‌های دانشگاهی در ایران است که گذشته بس طولانی در تاریخ ایران دارد. به‌ویژه در فرهنگ ایرانی که علم و عالم ارزش والایی دارد و خانواده‌ها برای تحصیل فرزندان خود حاضرند سختی‌های دیگر را در زندگی تحمل کنند و موفقیت تحصیلی فرزندان خود را ببینند. تحصیلات عالی دانشگاهی از آرزوها و دغدغه‌های اکثر ایرانیان بوده و می‌باشد. اکثر جوانان ایرانی تحصیل در دانشگاه را یکی از آرمان‌های بزرگ خود می‌دانند و از دیرباز علاوه بر آرزوی راهیابی به دانشگاه‌های داخل کشور، رؤیای رسیدن به مراکز علمی غیر وطنی و تحصیل در مراکز علمی خارج کشور به خصوص در مقاطع بالای دیپلم را یک اولویت اساسی در زندگی خود می‌دانند و در انتظار فراهم شدن شرایط مناسب برای عزیمت به خارج کشور و تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی این کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته هستند. داستان رفتن به آن سوی مرزها حکایتی طولانی است و پرداختن ریشه‌ای به تاریخچه آن از حوصله این مقاله خارج است؛ لکن با توجه به اینکه که موضوع اصلی این مقاله بررسی روند اعزام به خارج است در بخش دوم به صورت خلاصه و گذرا به تاریخچه

هزار نفر دانشجوی ایرانی مشغول به تحصیل در خارج، حدود دو الی سه هزار نفر از آنها بورسیه دولت و دانشگاه‌های داخلی بودند و مابقی با هزینه شخصی در خارج تحصیل می‌کردند.

بعد از انقلاب، اعزام به دلیل تثبیت نظام، مدتی متوقف شد. تا سال ۱۳۶۲ به دلیل شرایط انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها عملاً تعطیل بود. پس از بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۲ همچنان اعزام متوقف بود تا آنکه در سال ۱۳۶۴ قانون جدید اعزام به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بر اساس این قانون اعزام دانشجوی برای دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد ممنوع شد. سیاست‌گذاری جدید عملاً باعث کاهش تعداد دانشجوی به خارج گردید چرا که در گذشته بخش اعظمی از دانشجویان اعزامی را دانشجویانی تشکیل می‌دادند که در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به تحصیل اشتغال داشتند. شروع مجدد اعزام با گذشته از چند منظر متفاوت بود.

- متقاضیان می‌بایست در آزمون تخصصی و متمرکز دکتری شرکت می‌کردند و در صورت قبولی از نظر صلاحیت‌های اخلاقی نیز تأیید می‌شدند.

- در این دوره به علت قطع رابطه ایران با آمریکا دانشجویی با هزینه دولت به صورت رسمی به این کشور اعزام نشده است و این سیاست همچنان ادامه دارد. البته دانشجویانی از وزارت بهداشت به این کشور اعزام شده‌اند. در دوران قاجار عمدتاً انگلستان مقصد اولیه دانشجویان اعزامی بود ولی به تدریج فرانسه به صورت عمده‌ترین کانون جذب دانشجویان ایرانی درآمد. به گفته حاضری از سال‌های ۱۳۴۰ به بعد که آمریکا در صحنه اقتصادی و سیاسی ایران حاکمیت مطلق یافت، مقصد دانشجویان اعزامی نیز عمدتاً آمریکا بود تا آن‌جا که در سال‌های دهه ۱۳۵۰ بیش از نیمی از کل دانشجویان ایرانی خارج کشور در آمریکا تحصیل می‌کردند. همچنین آمار و اطلاعات (حاضری، ۱۳۷۳) نشان می‌دهد که در ۵۰ که از کل دانشجویان اعزامی ۴۶ درصد دانشجویان در آمریکا، ۱۰ درصد در آلمان، ۱۴ درصد در بریتانیا، ۸ درصد در فرانسه و ۶ درصد در ایتالیا مشغول تحصیل بوده‌اند. همچنین نزدیک به ۱۵ درصد نیز در کشورهای هند، پاکستان، فیلیپین و ترکیه تحصیل می‌کردند که عمدتاً فرزندان طبقات متوسط به پایین جامعه بودند که به علت هزینه پایین تحصیل و زندگی در این کشورها، روانه آن محل‌ها شده بودند. با تصویب قانون مجلس در سال ۶۴ عملاً دولت تنها در مقطع دکتری و برای تأمین کادر هیأت علمی دانشگاه‌ها سرمایه‌گذاری نمود و در نیمه دوم دهه ۶۰ و دهه ۷۰ سالانه حدود ۳۰۰ نفر به خارج اعزام شده‌اند. از طرفی علاوه بر وزارتخانه‌های متولی امر آموزش، سایر وزارتخانه‌هایی که درآمد ارزی داشته‌اند نیز جداگانه

تحولات اساسی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور بر جای گذاشت و به نحوی اعتراضات مردمی را نیز به دنبال داشت. به گفته حاضری حضور تربیت‌شدگان جوامع اروپایی در جامعه ایران از دو جهت زمینه توقف موقت روند اعزام را فراهم آورد؛ از یکسو این گروه از نظر اخلاقی و فرهنگی آنچنان مجذوب و مفتون فرهنگ غرب شده بودند که به ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی- ملی پشت پا زده موجبات واکنش منفی محافل مذهبی و توده مردم را علیه اعزام دانشجوی به فرنگ فراهم آوردند. از سوی دیگر از نظر سیاسی، حامل و مروج افکار و عقایدی بودند که نظام استبداد سنتی و حاکمیت بلامنازع و مستبدانه سلاطین قاجار را به خطر می‌انداخت، بنابراین دستگاه حکومت استبدادی قاجار نیز نسبت به تداوم این اقدام نمی‌توانست علاقه‌مند باشد. به این دلیل از حدود سال‌های ۱۲۴۰ شمسی تا پیروزی نهضت مشروطه (حدود ۵۰ سال) به صورت رسمی و از جانب دولت در زمینه اعزام دانشجوی به خارج اقدامی صورت نگرفت و تنها فرزندان بعضی طبقات مرفه با هزینه شخصی برای تحصیل به غرب می‌رفتند (سرمد، ۱۳۷۱) تا آنکه با آغاز مشروطه و در اواخر دوره قاجار قانونی از تصویب مجلس وقت گذشت که به موجب آن دولت می‌توانست به صورت متوالی هر سال تعدادی دانشجوی به خارج اعزام کند. براساس این قانون سال ۱۳۰۱ یک گروه ۶۰ نفره برای تحصیل راهی آلمان شدند و ۳۰ نفر نیز به فرانسه رفتند (حاضری، ۱۳۷۳). با آغاز حکومت پهلوی و از زمان رضا شاه اعزام دانشجوی با تصویب مجلس ادامه یافت و با تأیید رضا شاه در سال ۱۳۰۷ گروهی دانشجوی برای تحصیل به خارج از کشور اعزام شدند. از این تعداد بیش از ۱۰۰ دانشجوی به کشور فرانسه و ۸ نفر به آلمان اعزام شدند. بعد از آن در اواسط قرن نوزدهم میرزا تقی‌خان امیرکبیر دارلِفنون را تأسیس و به دعوت معلمان خارجی و ترجمه متون علمی خارجی پرداخت (هاشمیان، ۱۳۷۹ و ابراهیمیان، ۱۳۷۷). در این دوره اعزام محصلین ایرانی به خارج وارد مرحله گسترده‌تری شد و اعزام دانشجوی باعث بسط روابط دانشگاهی و علمی ایران و غرب شد. به ویژه تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ را می‌توان نقطه عطفی در توسعه روابط دانشگاهی ایران و غرب قلمداد نمود. روند اعزام تا زمان انقلاب اسلامی ادامه یافت اما در طول سلطنت پهلوی تعداد دانشجویی کمتری با هزینه دولت به خارج اعزام می‌شدند و بورس تحصیلی بیشتر به دانشجویان رتبه اول و بعضاً بستگان مسئولین حکومتی اختصاص داشت لکن دانشجویان زیادی که تعداد آنها به چنین هزار می‌رسید با هزینه خانواده‌ها به خارج اعزام می‌شدند. حاضری اشاره دارد که در سال ۱۳۳۸ از شانزده هزار دانشجوی ایرانی خارج کشور، پانزده هزار نفر آنها با هزینه شخصی و فقط یک هزار نفر بورسیه دولت بودند. در سال‌های پایانی عمر رژیم شاهنشاهی نیز از حدود هفتاد

اختلاف‌های موجود در سیستم آموزشی دو کشور ایران و غرب قبل از ارائه نتایج تحقیق با توجه به تجربه و بررسی نگارنده از دوره نسبتاً طولانی تحصیل، کار، تحقیق و بازدید از تعداد زیادی از دانشگاه‌های فرانسه، بریتانیا و ایرلند و مذاکره با اساتید و محققین، در این بخش به برخی از اختلافات موجود در سیستم آموزشی ایران و غرب اشاره می‌شود. آشنایی با این تفاوت‌ها می‌تواند هم متولیان و هم دانشجویان اعزامی در اصلاح سیستم و بهره‌برداری بیشتر از اعزام کمک کند:

- در فرهنگ دانشگاهی غربی برخورد انتقادی و به چالش کشیدن استادان و مسائل دانشگاهی یک ارزش محسوب می‌شود.
- فرهنگ دانشگاهی غرب مبتنی بر «مشارکت» و «یادگیری فعال» هر چه بیشتر دانشجویان است و دانشجویان در مباحث کلاس‌ها، دوره‌ها، سمینارها و جلسات مشاوره با اساتید راهنما برخوردی فعال، مشارکت‌جویانه و انتقادی دارند.
- این فرهنگ دارای مجموعه‌ای از عرف‌ها و سنن است. برای مثال دانشگاه‌های این کشورها به «سرقت علمی»^۱ بسیار حساس هستند. دانشجویان به روش‌های نقل قول، بازنویسی و استفاده از منابع به نحو دقیق و مطابق اصول انگلیسی آشنا هستند.
- یکی از ارزش‌های فرهنگ دانشگاهی غربی از جمله بریتانیا «کار پژوهش جمعی»^۲ است. با توجه به «چند فرهنگی» بودن دانشگاه‌ها در بریتانیا، دانشجویان با فرهنگ و ارزش‌های پژوهش گروهی آشنا و به آن عادت دارند.
- یکی از ارزش‌های مطالعه در کشور خارجی آشنایی با فرهنگ‌های مختلف است. هم میزبان و هم میهمان در این امر منتفع می‌شوند. دانشجویان بریتانیایی آشنایی با فرهنگ‌های مختلف را جدی و مهم تلقی می‌کنند.
- تفکر انتقادی^۳ اساس آموزش و پژوهش در سطح دکتری است. دانشجویان تلاش می‌کنند به هر نحو ممکن با تفکر انتقادی آشنایی عمیق و کاربردی داشته باشند زیرا در سیستم آموزشی این کشور اعتقاد بر آن است که به آموزش و تحقیق اینگونه نگاه نشود آنها هرگز به مرحله عالی خلاقیت و آفرینش در علم نخواهند رسید.
- دوره دکتری دوره‌ای مستقل و فردی است. دانشجو انتظار ندارد استاد راهنما دست او را بگیرد و قدم به قدم به پیش برود. او ناگزیر باید بیاموزد روی پای خود ایستاده و با تفکر مستقل ایده‌ها و طرح‌هایش را به پیش برود.

دانشجویانی را به خارج اعزام نموده‌اند. بیشترین دانشجویان توسط وزارتخانه‌های نفت، جهاد سازندگی (جهاد کشاورزی فعلی)، وزارت خارجه و وزارت اقتصاد (از طریق بانک‌ها) به خارج اعزام شده است. البته اعزام دانشجویان توسط وزارتخانه‌ها، سایر نهادها و سازمان‌ها در اواخر دهه ۷۰ بر اساس مصوبات مجلس و دولت در چارچوب سیاست‌های وزارتخانه‌های آموزشی و با نظارت آنها صورت گرفته است هرچند بعضاً شاهد اعزام مجدد توسط برخی از مراکز مذکور به صورت مستقیم بوده و هستیم.

- تأمین هیأت علمی دانشگاه‌ها هدف عمده و اصلی اعزام دانشجویان به خارج بعد از انقلاب بوده است.
- بنابراین قریب به دو قرن از تاریخ اعزام دانشجویان به خارج توسط دولت ایران می‌گذرد و در طی این دو قرن علی‌رغم فراز و نشیب‌های بسیار، اعزام دانشجویان به خارج نه تنها ادامه یافته است بلکه آن کاروان‌های چند نفره به کاروان‌های چند ده و چند صد نفره تبدیل شده است و علاوه بر سرمایه‌گذاری دولت تعداد زیادی نیز با هزینه شخصی برای ادامه تحصیل اعزام خارج از کشور شده‌اند. به‌ویژه در مقطع کارشناسی که دولت کمتر سرمایه‌گذاری نموده است تعدادی بیش از مجموع افرادی که دولت اعزام نموده است با هزینه خود و یا خانواده به خارج عزیمت نموده‌اند هرچند به دلیل کاهش ارزش ریال و بالا رفتن هزینه‌ها در خارج، تعداد دانشجویانی که با هزینه شخصی طی دو دهه گذشته اعزام کشورهای خارجی شده‌اند کمتر از قبل از انقلاب است. به‌علاوه مقایسه رشد جمعیت با روند دانشجوی اعزامی گواه این واقعیت است که در مجموع تعداد دانشجویان ایران که بعد از انقلاب به غرب عزیمت نموده‌اند در مجموع کمتر از تعدادی است که قبل از انقلاب راهی خارج شده‌اند. استمرار و توسعه این سیاست، بیانگر این واقعیت آشکار است که جامعه ایران به هر دلیل و علتی که هست، همواره نیازمند ارتباط دانشگاهی با جهان خارج بوده و دولت به مبادله و اعزام دانشجویان به عنوان یک سیاست برای توسعه ارتباطات علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با خارج اهمیت داده است. اینک با گذشت نزدیک دو قرن و با توجه به روند با شتاب توسعه علم و فناوری در جهان و ایران و تحولاتی که اعزام دانشجویان در عرصه‌های مختلف برای پیشرفت کشور داشته است آیا وقت آن نرسیده است که مقوله اعزام به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد؟ نگاه به تاریخ گذشته اعزام و سیاست‌های و مبانی توسعه کشور که بر محور دانش قرار داده شده است ما را بر آن می‌دارد تا در سیستم اعزام دانشجویان بررسی همه جانبه صورت دهیم و سیاستگذاری خود را همگام با تحولات جهانی در عرصه‌های علم، پژوهش و فناوری بهبود ببخشیم. نتایج این تحقیق که در ادامه می‌آید می‌تواند به عنوان منبعی ارزشمند در این سیاستگذاری استفاده شود.

نتایج طرح تحقیقاتی بررسی وضعیت دانشجویان بورسیه ایران در بریتانیا

برای شناخت مسائل اعزام و از منظر کاربردی این طرح تحقیقاتی در بریتانیا و به کمک جمعی از دانشجویان شاغل به تحصیل در این کشور اجرا شد. هدف این طرح علاوه بر بررسی سیاست‌های اعزام آن بود که بتواند به مشکلات و مسائلی که دانشجویان پس از اعزام با آنها مواجه هستند پاسخ دهد. بررسی این دسته از مشکلات خود می‌تواند تحلیل جامعی از سیستم اعزام را ارائه نماید چرا که دانشجویان به عنوان عوامل و نیروهای اجرایی این سیستم به‌شمار می‌روند و بهترین عامل برای ارزیابی آن می‌باشند. هدف نهایی از انجام این پژوهش دست یافتن به استانداردهایی بود که اولاً واقع‌گرایانه و منطبق بر نیازهای دانشجویان در حد قابل قبول باشد، ثانیاً مسائل و مشکلات عمومی و مشترک اعزام دانشجویان به نحوی که تحقیقات به سمت رفع نیاز صنعت جهت‌دهی شود را ارزیابی نماید. از آنجا که شناخت دقیق بسیاری از پرسش‌ها و مسائل دانشجویان جز از راه مطالعه تطبیقی حاصل نمی‌شود، این تحقیق ناگزیر برای دست یافتن به استانداردهای مذکور، به بررسی وضعیت اعزام و شرایط تحصیل در میان دانشجویان خارجی کشورهای مختلف پرداخته است. همچنین علاوه بر مطالعات تطبیقی، نگرش‌های دانشجویان شاغل به تحصیل در بریتانیا در ارتباط با اعزام و مشکلات آن به ویژه نحوه انتخاب پژوهش و رفع موانع جهت‌دهی آن به سمت نیازهای کشور به‌ویژه بخش صنعت از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید.

روش به‌کارگرفته شده در این تحقیق بهره‌جویی توأمان از روش‌های کمی^۱ و روش‌های کیفی^۲ است. این دو روش می‌توانند به نحو مکمل و متناسب ماهیت و مقتضیات موضوع تحقیق بکار بسته شوند. در این بررسی هم «تجارب زیسته»^۳ پژوهشگران که خودشان دانشجو هستند، هم مصاحبه‌های ساختاریافته^۴ و مصاحبه‌های باز^۵ در کنار «بررسی‌های آماری» دقیق برای دست یافتن به پاسخ‌های لازم به‌خدمت گرفته شده‌اند. در این رابطه از تجربه نگارنده از فعالیت اجرایی و آموزشی، نتایج مصاحبه با بیش از ۳۰۰ استاد راهنما و مسئولین دانشگاه‌های بریتانیا و ایرلند و بازدید از بیش از ۹۰ درصد دانشگاه‌های این کشورها در این مقاله بهره گرفته شده است. در مصاحبه با اساتید روش‌های آنها برای ارتباط بهتر با صنعت و موانع احتمالی نیز بررسی گردید.

۱. اولین دستاورد این تحقیق تأکید بر ضرورت انجام تحقیقات در حوزه مدیریت اعزام دانشجو به خارج و تأکید بر مقرون به صرفه و اقتصادی بودن اختصاص بودجه تحقیقات سالانه برای مدیریت اعزام است. بخصوص با در نظر گرفتن این واقعیت که به علت کم‌توجهی به تحقیقات در زمینه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اعزام دانشجو، متأسفانه اطلاعات پایه در بسیاری از زمینه‌ها فراهم نیست.

۲. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که اساساً دو سیستم اعطای بورس در جهان رایج است. پژوهشگران این دو سیستم را با توجه به نوع کشورهای اعطا کننده به سیستم بورس در کشورهای در حال توسعه و سیستم بورس در کشورهای توسعه یافته تقسیم کرده‌اند. تفاوت اساسی این دو سیستم نحوه نگرش و مبنای اعطای بورس و اعزام دانشجو و انتخاب موضوع تحقیق است. در کشورهای توسعه یافته دانشجویان بر مبنای توانایی و تمایل‌شان به تأمین نیاز علمی و تحقیقاتی مشخص که به‌صورت یک موضوع یا پرسش طرح و فرموله شده است از یک مؤسسه (دولتی یا خصوصی) بورس دریافت می‌کنند. در این کشورها دانشجو متعهد می‌شود که رساله تحصیلی‌اش را در زمینه‌ای که مؤسسه، نهاد یا صنعت اعزام کننده اعلام می‌کنند به انجام رساند. در پایان نیز دانشجو هیچگونه تعهدی جز ارائه نتایج بررسی خود به مؤسسه بورس دهنده ندارد. این روش انتخاب علاوه بر آنکه محقق را در جریان مشکلات بخش اعزام کننده قرار می‌دهد، باعث می‌شود به دلیل ارتباط وی با آن بخش در طول تحصیل راهکارهای جدیدی شناسایی و به‌علاوه امکانات و منابع جدیدی در دسترس سازمان یا نهاد اعزام کننده قرار گیرد و با روش‌ها و فنون جدید در عرصه کار و عمل آشنا شود. در حالی که در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما اعطای بورس بر مبنای توانایی و تمایل دانشجو برای حل مسئله پژوهشی معین نیست بلکه مجموعه‌ای از عوامل و نیازهای مختلف دانشگاهی، بوروکراتیک و سیاسی دست به دست هم می‌دهند تا فرد شایسته دریافت بورس شناخته می‌شود. بدون تردید شکل‌گیری این سیستم محصول مجموعه تحولات تاریخی و اجتماعی و دانشگاهی این دو گروه کشورها است. به نظر می‌رسد با توجه به این واقعیت که دانشجوی دکتری در ایران برای پاسخگویی به مجموعه‌ای از نیازهای آموزشی، پژوهشی و اجتماعی به خارج اعزام می‌شوند و «پاسخگویی به یک پرسش و موضوع علمی معین» معیار گزینش نبوده است، اکنون نمی‌توان یکباره سیستم را دگرگون کرد. شاید بهترین روش دستیابی به روشی باشد که بتواند هر دو وجه را تأمین نماید. برای این منظور می‌توان در زمینه انتخاب رساله‌های دانشجویان سیاستگذاری

1. quantitative methods
2. qualitative methods
3. lived experience
4. structured interview
5. unstructured interview

کنند. البته در رشته‌های غیر علوم انسانی نیز عملاً محدودیت‌هایی برای انتخاب موضوعاتی که مستلزم «مطالعه میدانی» در ایران است وجود دارد. البته مطابق آیین‌نامه‌های موجود (در زمان نگارش مقاله) اعطای بورس به اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، دانشجویانی که عضو هیأت علمی و بورسیه دانشگاه هستند موظفند نامه موافقت دانشگاه خود را در زمینه موضوعی که برای رساله انتخاب کرده‌اند به کمیته بورس ارائه کنند. با توجه به اینکه اغلب دانشجویان بورسیه دانشگاه‌ها هستند، در نتیجه فرایندی که عملاً دانشجویان برای انتخاب و ارائه موضوع قابل قبول در کمیته بورس طی می‌کنند به صورت زیر است. در صورتی که این فرایند برای سایر دستگاه‌ها از جمله صنعت اعمال و اجرا شود می‌تواند نقش مؤثری در تقویت و توسعه ارتباط دانشگاه و صنعت داشته باشد.

۱,۳ دانشجویان ملزم هستند برای ارائه موضوع قابل پذیرش، موافقت دانشگاه خود را برای موضوع رساله به دست آورند. دانشگاه‌ها نیز در یک فرایند سلسله مراتبی از دانشجویان می‌خواهند. ابتدا موضوع پیشنهادی خود را در گروه، سپس دانشکده، و نهایتاً دانشگاه به تصویب برسانند. در صنعت تصمیم‌گیری در رابطه با موضوع تحقیق می‌تواند در یک کمیته تخصصی انجام شود.

۲,۳ دانشجویان برای اخذ اطلاعات در زمینه امکانات و زمینه‌های مطالعاتی دانشگاه خارجی تنها به سابقه علمی (رزومه) استاد راهنما و همچنین اطلاعات کلی و تبلیغاتی که دانشگاه‌های خارجی برای بازاریابی دانشجویی ارائه می‌کنند دسترسی دارند.

۳,۳ دانشجویان علوم انسانی مجاز به انتخاب موضوع تحقیق درباره ایران نیستند و سایر دانشجویان نیز با محدودیت‌هایی مواجه‌اند. فرایند موجود دارای کاستی‌های گوناگونی است. اگرچه واگذاری مسئله انتخاب موضوع به دانشگاه‌ها امر لازمی است و در صورت وجود سازوکاری مناسب در دانشگاه‌ها، این امر می‌تواند «موضوع تحقیق» را متناسب و هماهنگ با نیازهای دانشگاه‌های کشور جهت دهد، اما بررسی‌ها و تجربه‌های موجود نشان می‌دهد که عملاً به دلایل مختلف این اتفاق به ندرت رخ داده است. در فرایند انتخاب موضوع سه رکن اصلی وجود دارد و تنها در صورتی انتخاب واقع‌بینانه است که هر سه رکن در ارتباط، هماهنگ و با شناخت کامل از هم عمل کنند. این سه رکن عبارتند از: «دانشجو»، «دانشگاه» و مؤسسه حمایت‌کننده بورس»، و «دانشگاه و استاد راهنمای خارجی». در حال حاضر، این هماهنگی بین سه مؤلفه مذکور وجود ندارد. در نتیجه مشکلات و کاستی‌های زیر در فرایند اعزام و انتخاب موضوع وجود دارد. جهت توسعه ارتباط دانشگاه و صنعت می‌بایست نقشی مؤثر برای مؤسسه، نهاد و یا سازمان اعزام‌کننده قائل شد.

جدیدی نمود و در عین حال تعهدات دانشجویان برای ارائه خدمات آموزشی و تدریس را همچنان محفوظ نگاهداشت. این روند می‌تواند به اعزام هدفمند دانشجویان به خارج منجر شود.

۳. از دیگر دستاوردهای مهم این تحقیق به مشکلاتی مربوط می‌شود که اغلب دانشجویان اعزام به خارج در زمینه طولانی شدن دوره تحصیل آنها بیش از مدت مقرر سه سال بورس به آن اشاره می‌کنند. این امر ناشی از عوامل مختلف مانند ضعف زبان انگلیسی، مشکلات دانشگاه‌ها، مسائل شخصی خاص دانشجویان، و همچنین موضوع رساله آنها است که نتایج تحقیق نشان می‌دهد در میان عوامل مذکور «موضوع رساله» اهمیت خاصی دارد زیرا این مسئله علاوه بر طول تحصیل بر سایر ابعاد کار دانشجویان نیز تأثیر می‌گذارد. نوع «موضوع تحقیق» (subject matter) بر روش‌ها، فنون، بودجه، زمان، نوآوری، اصالت، موفقیت و چگونگی هر تحقیقی تأثیر می‌گذارد و «موضوع» «مؤلفه سازمان بخش» (organizing component) تحقیق است. در صورت تناسب «موضوعات پژوهشی» با نیازهای صنعت کشور، کل دوره تحصیلی و تلاش‌های علمی دانشجویان در راستای سیاست‌ها و منافع ملی کشور هدایت می‌شود و پیوند ماندگار طبیعی بین دانشجویان، علایق او و صنعت به وجود می‌آید. علاوه بر این، «موضوع رساله» مناسب و دلخواه به دانشجویان نیز انگیزه و نیروی مضاعف برای تلاش بیشتر می‌دهد. لذا مسئله «موضوع تحقیق» برای دانشجویان در خارج اهمیت مضاعف‌تری دارد. این اهمیت از آن جهت قابل توجه است که نظام آموزش دوره دکتری در غرب اکثراً پژوهش محور (research-focused) است و عمده کار تحصیلی دانشجویان تنها محدود به انجام رساله دکتری است. در بسیاری از کشورهای انگلیسی زبان که ایران به آنها دانشجویان اعزام می‌کند مانند هند، استرالیا و اغلب دانشگاه‌های کانادا، نظام آموزش دکتری پژوهش محور است. از این رو دانشجویان دکتری را در این کشورها (Postgraduate Research) می‌نامند. به همین علت در سیاست‌ها و معیارهای اعزام دانشجویان می‌بایست به مسئله انتخاب موضوع رساله و عنوان تحقیق توجه ویژه‌ای معمول گردد.

براساس مقررات دو وزارت علوم و بهداشت که متولی اصلی اعزام دانشجویان به خارج هستند، موضوع رساله همه دانشجویان می‌بایست قبل از اعزام تعیین و به تأیید و تصویب وزارتین مربوط برسد. این امر نشان دهنده آن است که مسئولان و برنامه‌ریزان دو وزارت از اهمیت و جایگاه موضوع رساله در تعیین سرنوشت آن به خوبی آگاه هستند، اما این سیستم کاستی‌هایی دارد که لازم است اصلاح شود. مطابق روال موجود دانشجویان علوم انسانی مجاز نیستند موضوعات مربوط به جامعه و سرزمین ایران را انتخاب

در خارج است. به این منظور شایسته است این مسئله در جلسات و سمینارهایی که مسئولان دانشگاه‌ها، صنایع و دانشجویان بورسیه و یا سایر دانشجویان علاقه‌مند به تحصیل در خارج حضور دارند به بحث گذاشته شود و مسیر اعزام دانشجویان از طریق ارائه راهکارهای عملی هموار گردد و تحقیقات و موضوع پژوهش در راستای نیازها و مشکلات صنعت هدایت شود.

۴. نتایج این تحقیق و بررسی و تجارب نگارنده نشان می‌دهد که دانشجویان ایرانی خارج از کشور در مقایسه با دانشجویان بریتانیایی، تلقی و فهمی اثبات‌گرایانه، مکانیکی و غیر پویا، شناختی و ذهنی، و غیراجتماعی از مفهوم آموزش، پژوهش، علم و یادگیری دارند. همچنین در مقایسه با دانشجویان انگلیسی، دانشجویان آسیایی و ایرانی آمادگی‌های کمتری برای مشارکت نقادانه در فرایند آموزش و تحصیل دارند و این امور مانع پیشرفت علمی و آموزشی آنها می‌شود. همچنین می‌توان گفت که این وضعیت و نحوه نگرش دانشجویان به علم و پژوهش و یادگیری، متأثر از محصول تربیت و تجاربی است که دانشجویان در نظام دانشگاهی ایران قبل از اعزام به دست آورده‌اند. نظام آموزشی کشورهای چون ایران، چین و برخی کشورهای آسیایی دیگر در مقایسه با نظام آموزشی بریتانیا مبتنی بر روش‌های اقتدارگرایانه، غیرمشارکتی، غیربازتابی، انعطاف ناپذیر، استاد محور، جامعه‌گریز و مخالف فردیت و نیازهای فردی دانشجویان است. در صورتی که از تجربیات و مشاهدات دانشجویان اعزام شده و یا شاغل به تحصیل در خارج استفاده شود می‌توان از این منبع گرانبها و ارزشمند برای حل مشکلات ساختاری آموزش دکتری در داخل و آماده نمودن دانشجویان قبل از اعزام بهره گرفت. بخصوص در زمینه شناخت مسائل و ابعاد فرهنگی دانشگاه و آموزش عالی تجربه دانشجویان خارج از کشور به دلایل زیر بسیار اهمیت دارند و باید در ثبت و بهره‌برداری از این تجارب متولیان آموزش عالی برنامه‌ریزی نمایند و نگذارند این تجارب که به اعتقاد نگارنده از اصل دکتری با اهمیت‌تر است فراموش شود و کشور از این گنجینه با ارزش محروم بماند همچنانکه طی دو قرن که از اعزام دانشجویان سپری شده است بهره بسیار اندکی از سرمایه عظیم صرف شده برای حل مشکل اعزام و اصلاح سیستم‌های آموزشی در داخل به کار گرفته شده است.

۵. در یک زمینه فرهنگی کاملاً ناآشنا و غریبه، زوایای پنهان فرهنگ به دلیل تفاوت‌هایی که با فرهنگ بومی فرد دارد، بهتر و شفاف‌تر دیده می‌شود. بنابراین، آنچه دانشجویان در وطن خود در دانشگاه به نحو ناخود آگاه تجربه می‌کنند در دانشگاه خارجی به نحو خودآگاهانه‌تر و ملموس‌تر تجربه می‌کنند. به کارگیری و بومی کردن یافته‌های فرهنگی، اجتماعی دانشجویان می‌تواند در

۴،۳ دانشجویان از اهمیت و جایگاه موضوع تحقیق تا قبل از اعزام و آشنایی با سیستم دانشگاهی آگاهی کامل ندارند و در نتیجه نسبت به آن حساس نیستند.

۵،۳ به دلیل مشکلات اداری و فراز و نشیب‌های طولانی که دانشجویان قبل از اعزام طی می‌کند، عملاً دانشجویان در زمینه انتخاب موضوع علائق و خواست‌های خود را چندان جدی نمی‌گیرند و تنها خواسته و هدف آنها در مرحله قبل از اعزام صرفاً اخذ پذیرش و اعزام به خارج است. بی‌گمان این نادیده گرفتن علائق فردی دانشجویان در روند تحصیل آنها تأثیر می‌گذارد.

۶،۳ دانشگاه‌های کشور اطلاعات چندانی درباره دانشگاه‌های خارج و امکانات و محدودیت‌های آن در اختیار دانشجویان قرار نمی‌دهند و گروه‌های آموزشی اغلب حداکثر درباره کلیت رشته و گرایش تحصیلی دانشجویان نظر می‌دهند نه درباره موضوع تحقیق و رساله آن.

۷،۳ آشنایی و هماهنگی با استادان خارجی نیز در همان حد «سابقه» و اطلاعات کلی دانشگاه‌هاست، که هیچکدام نمی‌توانند کمکی به دانشجویان در زمینه انتخاب موضوع کنند.

در نتیجه مسائل فوق الذکر، اغلب دانشجویان بعد از اعزام و آغاز به تحصیل درمی‌یابند موضوعی که انتخاب کرده‌اند به دلایل مختلف قابل اجرا نیست و بناگزیب باید آن را رها کرده و موضوع تحقیق دیگری انتخاب کنند و یا به دلیل مشکلات موجود همین موضوع را دنبال کنند. این امر باعث اتلاف وقت دانشجویان می‌شود و عملاً بین حداقل شش ماه و گاهی سال اول یا بیشتر از دوره بورس دانشجویان تنها برای پیدا کردن و انتخاب موضوع می‌گذرد. البته زمان طی شده لزوماً به معنای اتلاف وقت دانشجویان نیست، زیرا دانشجویان ناگزیر است برای رسیدن به یک موضوع تحقیق‌پذیر و مناسب، مطالعات گسترده و دامنه داری بکنند. این امر نوعی تجربه آموزشی و پژوهشی ارزشمند است و عملاً دانشجویان در این فرایند با مشکلات واقعی تحقیق، منابع متنوع و مباحث و موضوعات حوزه مطالعاتی خود آشنا می‌شوند. اما نکته مهم این است که کل دوره و فرصت بورس یا تحصیل دانشجویان سه سال است و دانشجویان ناگزیر باید طوری برنامه‌ریزی کنند که حداکثر بهره از تمام دوره سه ساله بورس خود را برای انجام رساله خود هزینه کنند. یکی از دلایل مهم تأخیر دانشجویان در زمینه فارغ‌التحصیل شدن همین فرایند آزمون و خطایی است که برای انتخاب موضوع طی می‌کنند.

لذا به منظور کمک به رفع مشکلات مذکور و برای ایجاد یک نظام و روند حمایتی، هدایتی و نظارتی مطلوب‌تر و مؤثرتر در زمینه انتخاب موضوع رساله دانشجویان شاید اولین و ضروری‌ترین اقدام، تلاش و برنامه‌ریزی به منظور آگاه کردن دانشجویان اعزامی از اهمیت و نقش موضوع تحقیق در کل سرنوشت دوره تحصیلی آنها

دانشگاه به این جوامع کمتر راه پیدا کرده است. در نتیجه مردم جوامع غیر غربی قادر به استفاده بهینه و مناسب از کالای علم و آموزش و پژوهش مدرن نیستند. البته واضح است که مقصود از انتقال تجارب، تقلید و تبعیت از جامعه دیگر یا تحسین و ستایش دیگران نیست، بلکه بهره‌گیری علمی و انتقادی از تجربه انسان در ابعاد گوناگون در عصر حاضر است.

راهبردهایی برای اصلاح وضع موجود

۱. اگر به مقوله اعزام دانشجو به عنوان مسئله‌ای اجتماعی نگاه شود توجه به نحوه مواجهه دانشجو با جامعه جدیدی که برای ادامه تحصیل به آن وارد می‌شود بسیار اهمیت دارد. این تحقیق نشان داد که شناخت دانشجو از کشور محل تحصیل و آمادگی قبل از عزیمت در موفقیت او مؤثر است. دانشجویان از همان ابتدای تحصیل به فشارهای روانی و اجتماعی فراوانی روبرو می‌شوند. به‌ویژه سفر به کشوری که از نظر فرهنگی اجتماعی با فرهنگ و پدیده‌های کشور خود متفاوت است باعث شوک‌های مختلف می‌شود. مشکلاتی همچون تفاوت فرهنگی و زندگی در جامعه‌ای خارجی، تبعیض نژادی و نگرش‌های منفی کشور میزبان به آنها، مشکلات زبان و ناتوانی در ایجاد ارتباط کلامی مناسب، مشکلات مسکن و داشتن محل زندگی مناسب، غذا و محدودیت‌های مذهبی، فرهنگی، و زیستی آن، محدودیت‌ها و فشارهای مالی، مشکلات روان‌شناختی، غربت و تنهایی، مشکلات ناشی از تفاوت نظام آموزشی و فرهنگ یادگیری و آموزش، میزان تسلط و آشنایی با زبان انگلیسی و همچنین آشنایی با روش تحقیق به منزله عوامل علمی مؤثر در پیشرفت دانشجویان شناخته شده است. اگرچه در زمینه زبان برنامه‌هایی برای تقویت آشنایی دانشجویان وجود دارد، اما در زمینه روش تحقیق به‌صورت تخصصی به‌ویژه در بخش‌های صنعتی، خدماتی و تولیدی تاکنون برنامه منسجم و معینی برای اعزام دانشجویان وجود نداشته است. با توجه به عدم وجود هرگونه تجربه، نمی‌توان در این زمینه به‌سادگی نظر داد اما نباید اهمیت این موضوع در فرایند اعزام نادیده و مغفول بماند. این مشکلات متأسفانه در تاریخ اعزام دانشجو وجود داشته و کمتر برای دانشجویان قبل از اعزام تبیین شده است. بسیاری از آنها قابل پیشگیری است لکن در این زمینه نیز تاکنون حرکت جدی صورت نگرفته است.

۲. از دیگر دستاوردهای مهم این تحقیق توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آشکار و پنهان پژوهشی و علمی کشور در خارج است. تاکنون به ندرت از دانشجویان بورسیه و غیر بورسیه شاغل به تحصیل در خارج برای شناخت علمی مسائل اعزام استفاده

موارد زیادی در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

۶. در یک فضای فرهنگی دیگر، فرد به دلیل نا آشنایی ناگزیر است که آنچه بومی‌ها و مردم آن سرزمین از طریق "وراثت اجتماعی"^۱ و به تدریج به آنها منتقل شده است، به صورت فشرده، سریع و از طریق یادگیری و آموزش خودآگاه، فرا بگیرد. بنابراین، «دانشجویان خارجی»^۲ «فرهنگ دانشگاهی» کشور میزبان را از راه آموزش و ممارست اختیاری می‌شناسند. این امر مجال منحصر بفردی برای شکار تجربه‌های دانشگاهی است که در وطن به راحتی قادر به دریافت آن نیستند. به ویژه اگر به دانشجویان اعزامی قبل از عزیمت اطلاعاتی داده شود، آنها به راحتی می‌توانند راهکارهای جدید برای تقویت ارتباط دانشگاه، دولت و صنعت ارائه نمایند.

۷. در یک زمینه فرهنگی در سرزمینی غیر از وطن اصلی برخی محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی که در وطن فرد با آن روبروست، وجود ندارد، در نتیجه فرد می‌تواند آنچه می‌بیند و می‌شنود و احساس می‌کند را با آزادی اجتماعی بیشتری به زبان آورد. برای مثال، ذکر نکات انتقادی درباره جامعه غیر، دیگر باعث مقاومت دولت و گروه‌های اجتماعی نمی‌شود، در نتیجه فرد می‌تواند آزادانه‌تر به روشی علمی و انتقادی مسائل فرهنگی را تحلیل کند. این آزادی می‌تواند کاملاً در خدمت روشنگری و نقد اجتماعی مسائل جامعه جهانی و همچنین جامعه بومی فرد باشد، زیرا ما به طور خود آگاه و ناخود آگاه با تکیه بر دانش و تجربه‌ای که از فرهنگ بومی خود داریم، فرهنگ جوامع دیگر را تجربه می‌کنیم. از اینرو همواره به نوعی مسائلی که ما در شناخت جامعه غیر گزینش می‌کنیم معطوف به مسائل جامعه بومی ماست. غرض اینکه، دانشجویان خارجی می‌توانند «نقد فرهنگی» دانشگاه و آموزش عالی بومی خود را با تکیه بر شناخت دانشگاه‌های دیگر دنبال کنند.

۸. یکی دیگر از امتیازات دانشجویان اعزام به خارج «انتقال تجارب عملی و عینی» کشورهای دیگر به جامعه بومی خودشان است. این تجارب تمامی زمینه‌های دانشگاه و صنعت که فرد در آن مشارکت دارد را شامل می‌شود. برای دانشجویان کشورهای غیر غربی که دانشگاه مدرن را از جوامع غربی اخذ و اقتباس نموده‌اند، این امر اهمیت بیشتری دارد. زیرا در کشورهای غیر غربی نهاد دانشگاه به روش اقتصادی به منزله نوعی کالا «وارد» جامعه آنها شده است. مانند دیگر مصنوعات و محصولات صنعتی مدرن، قواعد، هنجارها، عرف و عادات دانشگاهی مدرن همراه

1. social heredity
2. overseas student

پژوهش، میزان مفید بودن و کاربردی بودن نظارتی وجود ندارد. این روند خود نشان داده است که در موارد زیادی به علت عدم بررسی‌های اولیه نتایج تحقیق حاصله در کشور در حال توسعه کاربردی نداشته و یا به دلیل عدم وجود ابزار و امکانات مورد نیاز نبوده است. نتیجه آن نیز هدر رفتن سرمایه گذاری انجام شده در اعزام این دسته از دانشجویان را به همراه داشته و سرمایه کشور صرف توسعه و آبادانی کشورهای توسعه یافته شده است. درحقیقت در موارد زیادی کشورهای در حال توسعه برای پیشرفت بهتر و بیشتر کشورهای در حال توسعه نه تنها سرمایه‌گذاری مالی نموده‌اند بلکه سرمایه انسانی خود را نیز در خدمت به آنها به کار گرفته‌اند. اکنون با توجه به تأمین هیأت علمی در داخل کشور و کم شدن مشکل کمبود هیأت علمی در دانشگاه‌ها می‌توان جهت‌گیری اعزام را مشابه کشورهای توسعه یافته به سمت نیازهای صنعت تغییر داد.

- سیستم و روش فعلی اعزام به صورت متمرکز و تأمین هزینه تحصیل توسط دولت همواره دغدغه عدم بازگشت دانشجو بعد از فراغت از تحصیل در کشورهای در حال توسعه را به همراه داشته است. موضوع عدم بازگشت دانشجویان به‌ویژه دانشجویان بورسیه یکی از چالش‌های اساسی و مورد توجه در اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بوده است. به ویژه به میزانی که شرایط رفاه و آسایش در کشور محل تحصیل بیشتر باشد درصد ماندگاری و عدم بازگشت نیز بیشتر بوده است. نکته قابل توجه در رابطه با کشور ما در این مورد آن است که بعد از انقلاب اکثر دانشجویان اعزامی علاوه بر سپردن تعهد از بین افراد متعهد نیز انتخاب شده‌اند لکن با یافتن موقعیت بهتر تعهد خویش برای خدمت به کشور را فراموش کرده و در کشوری که مدرک خود را اخذ نموده‌اند و یا در کشور توسعه یافته دیگری به خدمت پرداخته‌اند. این ماندن‌ها درحالی اتفاق افتاده است که دانشجو قبل از اعزام تعهد رسمی برای بازگشت پس از تحصیل به دولت یا نهاد بورس‌دهنده می‌دهد لکن تجربه نشان داده است که اینگونه روش‌ها کارایی بالایی نداشته‌اند. یا اگر دانشجو به اجبار به کشور بازگشته در بسیاری از موارد پس از اتمام تعهد رهسپار خارج شده است. البته این شرایط عمومیت ندارد و بسیاری از دانشجویان بلافاصله پس از اتمام تحصیل و عده‌ای نیز پس از چند سال اقامت در خارج به میهن مراجعت می‌کنند. در کشورهای پیشرفته سیستم به گونه‌ای است که دانشجو در حین تحصیل با انجام تحقیق برای سازمان اعزام کننده علاوه بر سپری نمودن دوره تحصیلی به‌طور همزمان تعهد خویش را نیز انجام می‌دهد. این روش نیز می‌تواند در کشور ما کاربرد داشته باشد و هدف اصلی اعزام حل مشکل و انجام

شده است. این تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان دانشجویان را در زمینه‌های مختلف علمی به خدمت گرفت و زمینه فعالیت و مشارکت بیشتر آنها را در شناخت مسائل کشور فراهم ساخت. علاوه بر این، تجربه حاضر نشان می‌دهد که استفاده از دانشجویان دکتری هم از نظر علمی و هم از نظر اقتصادی بازده و بهره‌وری بهتری دارد و صنعت کشور از این منبع عظیم تاکنون کمتر استفاده نموده است.

۳. از نکات بررسی شده در این پژوهش ارزیابی تفاوت‌های اعزام در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین این دو دسته از کشورها تفاوت‌های زیر در اعزام دانشجو وجود دارد که اگر به آنها دقت شود در موارد زیادی بهره‌گیری از برتری سیستمی و بومی کردن آنها می‌تواند به بهبود سیستم اعزام دانشجو در کشور ما کمک کند.

- سیستم‌های بورسیه در کشورهای توسعه یافته به صورت کاملاً غیرمتمرکز است و هزینه‌های اعزام عمدتاً توسط بخش خصوصی، صنعت و خیریه‌ها تأمین می‌شود در حالی که در کشورهای در حال توسعه این هزینه‌ها اکثراً توسط دولت، صنایع و نهادهای دولتی تأمین می‌شود. با توجه به توسعه دانشگاه‌های خصوصی و گسترش صنایع و تجارت خصوصی جهت‌گیری اعزام می‌تواند با توجه به نیاز دستگاه‌ها و بخش خصوصی صورت گیرد و هزینه‌ها نیز توسط آنها تأمین شود. این جهت‌گیری می‌تواند به توسعه ارتباط دانشگاه، دولت و صنعت سرعت ببخشد.
- در کشورهای در حال توسعه در اعزام دانشجو اکثراً مدرک اهمیت دارد و فرد برای ارتقای رتبه شغلی و دانشگاهی اعزام می‌شود و انتظار است که بعد از برگشت به دلیل توانایی بیشتر علمی بتواند در موقعیت بالاتری خدمت کند، در حالی که در کشورهای توسعه یافته هدف به‌کارگیری و استخدام کردن دانشجو برای انجام یک کار پژوهشی است و از مستخدم انتظار می‌رود تا در طول مدت تحصیل پیرامون یک موضوع از پیش تعیین شده که توسط نهاد یا سازمان اعزام کننده مشخص شده به تحقیق بپردازد و مشکلی را حل نموده و یا به سؤالی پاسخ دهد و در مقابل هزینه تحصیل خود را با توجه به پیشرفت کار پروژه دریافت نماید. در این شیوه دانشجو خود را موظف می‌داند که با جدیت و پشتکار به انجام تحقیق خواسته شده بپردازد زیرا او می‌داند که مخارجش در مقابل انجام کار خوب و رضایت‌بخش پرداخت می‌شود. این شیوه نوعی نظارت و کنترل را نیز در خود به همراه دارد و از طرف دیگر به دانشجو و محقق جهت می‌کند تا در طول تحصیل با صنعت مشابه در کشور در حال تحصیل ارتباط برقرار سازد در صورتی که در سیستم اعزام کشورهای در حال توسعه سیستم یک طرفه بوده و عملاً بر نحوه انجام

سیاست نه تنها نتایج بهتری از اعزام دانشجو عاید کشور می‌سازد بلکه سرمایه کشور بجای آنکه صرف آبادانی و رفع کشوردیگر شود در جهت توسعه و آبادانی کشور هزینه می‌شود و در نهایت به تقویت ارتباط دانشگاه، دولت و صنعت نیز می‌انجامد.

منابع

۱. حاضری، علی محمد، روند اعزام دانشجو در ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۳.
۲. سرمد، غلامعلی، اعزام محصل به خارج در دوره قاجار، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۳. آبراهامیان، پروانده، ایران بین دو انقلاب، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۴. هاشمیان، احمد، تحولات فرهنگی ایران و دارالفنون، ارغوان مهر اندیش، ۱۳۷۹.
۵. مجموعه گزارش‌ها و مقالات علمی، پژوهشی نمایندگی علمی جمهوری اسلامی ایران در بریتانیا، ۱۳۸۲-۱۳۸۵.
۶. مجموعه مقالات کنگره‌های سراسری همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی.

یک تحقیق تعیین شود هر چند دانشجو با انجام این تحقیق دکترای خود را نیز اخذ می‌کند. دوران بعد از اتمام بورس و دانش آموخته شدن فشار مالی شدیدی بر دانشجویان وارد می‌سازد. برای حل این مشکل لازم است از یک سو دانشجویان از همان ابتدای تحصیل به فشارهای روانی و اجتماعی ناشی از طولانی شدن بیش از بورس آگاهی کامل داشته باشند. از سوی دیگر راه‌های کمک به این افراد مطالعه و بررسی شود تا در ماه‌های پایانی تحصیل که هنگام چیدن میوه سال‌ها تلاش و سرمایه‌گذاری است هدر نرود. اگر دانشجو برای حل مشکل و یا پاسخ یک پرسش در رابطه با صنعت برای ادامه تحصیل عزیمت کند عملاً پس از تحصیل علاوه بر آنکه محل اشتغال او می‌تواند تضمین شود با مشکلات کمتر مالی و زندگی نیز روبرو می‌شود. به علاوه با توجه به اینکه در طول تحصیل در مقابل وجهی که دریافت می‌کند به تحقیق می‌پردازد عملاً پس از خاتمه تحصیل تعهدی به نهاد اعزام کننده ندارد و از طرف دیگر کشور و سازمان یا بخش اعزام کننده از نتایج تحقیق منتفع می‌شود. لذا اعمال این